

تجربه عملی مشارکت همگانی در ارتقای مستمر کیفیت مدرسه

تجربه عملی: حشمت الله محمدی - مدیر مدرسه ابتدایی شهید براتعلی - منطقه چهار دانگه
سازمان آموزش و پرورش شهرستان های استان تهران
به کوشش: علی اکبر پیرزاد

برگزار کردیم و سعی در آگاهی دادن به آنان در این باره کردیم و آنان نیز در این زمینه همکاری لازم را به عمل آوردند و الحمدلله به نتایج مثبتی از جمله حل برخی مشکلات اخلاقی دانش آموزان که ناشی از مسائل خانوادگی آنان بود، شناسایی دانش از آموزشی که دارای مشکلاتی چون: مشکلات شنوایی، بینایی، لکنت زبان، اضطراب و... انجامید.

۳- بررسی و هماهنگی در خصوص روش های تنبیه و تشویق دانش آموزان:
با آگاهی دادن به معلمان، موفق به حذف کامل تنبیه بدنی شده و به استفاده از روش های روانشناسی مثل: محروم کردن دانش آموزان از برخی علائق شان به خاطر عدم انجام برخی امور از جمله تکالیف یا به خاطر سایر مشکلاتی که داشتند؛ همچنین استفاده از انواع برنامه های تقویت (انواع کارت های تشویقی، جوایزی که برای در طول زمان هایی کوتاه یا بلند داده می شد و...) شدیم.

۴- بررسی و هماهنگی در خصوص چگونگی برگزاری کلاس های فوق برنامه:
در جلساتی که با معلمان داشتیم، با بررسی نیازهای آموزشی بچه ها و با در نظر گرفتن زمان حضور معلمان در مدرسه تصمیم به برگزاری این قبیل کلاس های فوق برنامه می گرفتیم.

۵- افزایش اعتماد به نفس در افراد جهت شرکت در جلسات و ارائه نظرات و پیشنهادات: این امر با تلاش زیادی که در طول جلساتی متعدد جهت جا انداختن این فرهنگ که: «همه اعضای مدرسه حق مساوی جهت اظهار نظر دارند»، انجام شد؛ لذا پس از مدتی و در پی تعاملات شکل گرفته بین مسئولان مدرسه، معلمان و اولیا دانش آموزان و صرف نظر از مقام،

عملکرد سرویس دانش آموزان: در این مورد نیز والدینی که می توانستند خدمات ارزان قیمت تری را به بچه ها ارائه دهند با مدرسه مشارکت کردند که در واقع هم نوعی اشتغال زایی بود و هم دخیل کردن والدین در امور مربوط به فرزندان خودشان، البته این امور کاملاً به صورت داوطلبانه به آنان واگذار می شد و با یک تقسیم کار کاملاً حساب شده انجام گرفت و برای این که مشکلی در مورد سرویس رسانی به دانش آموزان برای رفت و آمد به مدرسه پیش نیاید برای مسئولان سرویس ها نقرات دومی نیز در نظر گرفتیم و از آنان خواسته شد که در صورت بروز مشکلات احتمالی خود آنان با یکدیگر هماهنگ شوند و از بروز هر گونه مشکلی جلوگیری نمایند.

سال گذشته بیشترین اهمیت را برای موضوعات ذیل قائل شدیم و به همین دلیل بیشترین جلسات را به این موارد اختصاص دادیم:
۱- تلاش در جهت ارتقای برنامه آموزشی و پرورشی: به نظر من اگر مجریان یک برنامه در شکل گیری آن دخیل نباشند، حتی اگر آن برنامه ایده آل ترین برنامه ها در نوع خود باشد نیز «قابلیت اجرایی» پیدا نمی کند و حتی در صورتی هم که اجرایی گردد به آن «اثر بخشی مورد انتظار» از آن دست نخواهد یافت.

۲- بررسی علل افت تحصیلی دانش آموزان و تلاش در جهت کاهش آن ها: معلمین به دلیل ارتباط نزدیکی که با بچه ها دارند خیلی زود می توانند به مشکلات آنان پی ببرند و اگر معلمان آگاهانه به مسایل برخورد کنند و آنان را به مشاوران معرفی کنند، خیلی زودتر می توانند مشکلات بچه ها را حل کنند و تا حد امکان از بروز عوارض بعدی آن جلوگیری نمایند؛ لذا جلسات مشترکی بین معلمان، مشاور مدرسه و والدین

مدرسه ای که اولیا و مربیان در آن مشارکت ندارند را نمی توان مدرسه ای «هوشمند، کارآمد و به روز» نامید. چون مدیر می تواند با کمک این شورا ها، اطلاعات و نظرات زیادی را کسب کند که خودش به تنهایی نمی تواند پیدا کردن و فهم این اطلاعات وقت اختصاص دهد. در واقع در این صورت مدیر با اخذ دیدگاه ها و انتقادات، مسایل را از نگاه دیگران هم می بیند؛ یعنی از نگاهی متفاوت و شاید حساس تر که «دیدگاهی انتقادی» است، می نگرد و حل و فصل می نماید، یا حداقل در اخذ تصمیمات خود آنها را لحاظ می کند و این مزیت را دارد که خطا و ریسک های احتمالی در آن تصمیمات را کاهش می دهد و این یعنی اخذ تصمیماتی «آگاهانه تر» و «دقیق تر». چرا که با مراجعه به نظرات این افراد می تواند تا حدود زیادی از «خطر نقص اطلاعات» نجات یابد. یکی از اصلی ترین وظایف یک مدیر، «مدیریت منابع انسانی» است. یعنی وظیفه او فقط تهیه و تدارک محیط و بستر مناسب جهت اداره مدرسه نیست؛ بلکه او در صورت استفاده از «زمینه های فکری و خرد جمعی نیروی انسانی» موجود است که می تواند موفق تر عمل نماید و به نتایج در خور توجهی دست یابد. در واقع او می تواند به یک «ارزش افزوده» که محصول استفاده از یک «سینرژی فکری» است، دست یابد.

با توجه به موارد فوق و اطلاعات به دست آمده در این خصوص می توان چنین نتیجه گرفت که: مدیریت می تواند در آن وقت مدیر صرف مدیریت منابع (افکار) انسانی می شود، «هوشمندانه ترین و کارآمدترین» نوع مدیریت است.

پس از برگزاری جلسات اولیا و مربیان در مدرسه توانستیم به نتایج زیر دست پیدا کنیم:

۱- تأمین مشارکت فکری، فرهنگی، عاطفی و آموزشی اولیا

۲- تقویت هماهنگی و همسویی خانه و مدرسه

۳- برنامه ریزی های دقیق تر و عملی تر جهت تشکیل جلسات آموزش خانواده از طریق اطلاع رسانی و با هماهنگی های از پیش به عمل آمده با خانواده ها

۴- نظارت بر چگونگی کمک های مردمی با رعایت ضوابط: مثلاً برای آن که خانواده هایی که از لحاظ مالی ضعیف تر هستند تحت فشار مضاعف قرار نگیرند، از آنان که در زمینه های مرتبط با نیازهای مدرسه تخصصی دارند خواستیم در صورت تمایل در آن زمینه به مدرسه خدمات رسانی کنند.

۵- نظارت بر چگونگی و تصمیم بر



حشمت الله محمدی:

در نهایت می توان به یک نتیجه کلی دست یافت و آن این است که شوراهای می توانند در موفقیت های آینده مدارس نقش بسیار مهم و سرنوشت سازی را ایفا کنند و اگر این شوراها نباشند ضررهای زیادی متوجه مدارس می باشد که عامل اصلی آن ها ضعف گردآوری اطلاعات و نقص و در نهایت دقت پایین آن هاست. پس می توان با استفاده از روش مدیریت مشارکتی هم دقت در تصمیم

گیری های مدیران و کادر آموزشی را تقویت کرد و اثر بخشی آن ها را بالا برد و هم می توان زمینه را برای تولید و بیان ایده های جدید که هر کدام می توانند در تصمیم گیری های خلاقانه تر و کارآمدتر به مدیر کمک کنند.



پرورش خلاقیت، ابداع و نوآوری در دانش آموزان: از طریق اهمیت دادن به نظرات آنان و اعطای جوایز برانگیزاننده با توجه نیازهای سنی آنان، مثل دو چرخه و...

کمک به حل مسایل فوق برنامه و ایجاد طرح و برنامه قوی: با توجه به این که دانش آموزان مخاطب آموزش های مدرسه می باشند «چه خوب است آنچه آموزش داده می شود مطابق میل و نیاز آنان نیز باشد»، لذا نظر آنان به شدت در تصمیم گیری های ما در این امور تعیین کننده است.

ارج نهادن به شخصیت و کرامت دانش آموزان: نظر من به عنوان یک مدیر این است که «احترام به نظر و نیاز افراد در کلیه سطوح از عالی ترین سطوح ارج نهادن به شخصیت و کرامت انسان و به خصوص در محیط های آموزشی و تربیتی است».

جهت حل تضادهایی که در نظرات افراد وجود داشت از نظرات برخی از کارشناسان در جلسات استفاده کردیم.

نتیجه گیری

داریوش آسترکی:

۱- وقتی فرد، گروه و اجتماعی از افراد از میزان و نوع نقش یا نقش های خود در محیط آگاه باشند و برآیند رفتارهای اجتماعی خویش را در جامعه احساس کنند، مشارکت می تواند هر یک از متغیرهای ذکر شده را تحت تأثیر قرار داده و در نهایت نوع و نحوه رفتار فرد و گروه را تغییر دهد.

۲- در دنیای پیچیده کنونی و با حجم یک میلیون و اندی پرسنل آموزش و پرورش، هیچ فرد یا گروه یا مقام اجرایی آنقدر دانا، توانا و مستعد نیست که بتواند بدون استفاده از دیگران به اداره آموزش و پرورش و مدارس آن بپردازد. بنابراین باید به استفاده از روش تصمیم گیری بر اساس اطلاعات بیشتر و همچنین استفاده از روش های مشارکتی و خرد جمعی روی آورد.

۳- فضای حاکم بر جامعه امروز ایران به گونه ای است که مردم می توانند با مشارکت فعالانه سرنوشت بهتری در زندگی اداری و سیاسی خود داشته باشند؛ لذا می توان با تقویت شوراهای تعیین شده در آیین نامه اجرایی مدارس، فرهنگ مشارکت پذیری را افزایش داده و نسبت به ارتقای مستمر کیفی آموزشگاه ها اقدام نمود.

منسب و جایگاه افراد حاضر در جلسه و با رعایت نظم و احترام همه افراد، اظهار نظرها صورت می گرفت که محاسن زیادی را به دنبال داشت و این خود هم عامل محرکه و تشویق کننده کادر آموزشی و هم دانش آموزی در مدرسه شد و علاوه بر ارتقای سطح کیفی مدرسه باعث ارتقای سطح کمی و معدل دانش آموزان مدرسه گردید.

شورای دانش آموزان

«احترام به نظر و نیاز افراد در کلیه سطوح از عالی ترین سطوح ارج نهادن به شخصیت و کرامت انسان، به خصوص در محیط های آموزشی و تربیتی است».

شوراهای دانش آموزی به عنوان یک نهاد داوطلبانه و توانا در راستای ایجاد یک نوع مشارکت غیر مستقیم جهت تصمیم گیری و انجام برنامه های مشارکتی می باشد. تشکیل هشت کمیته علمی و آموزشی، فرهنگی و مذهبی، سیاسی و اجتماعی، ورزشی، اداری و مالی، مراسم و تبلیغات، تعاون، امداد و بهداشت و انضباطی از یک سو به انجام هر چه بهتر امور مدارس و از سوی دیگر یک کارگاه آموزشی جهت ارتقای مهارت زندگی محسوب شده و موجب پویایی، نشاط، خلاقیت و کرامت دانش آموزان می گردد. البته استفاده عمیق از پتانسیل های قوی دانش آموزی بدون انجام اصلاحات ریشه دار در ابعاد مختلف نظام آموزش و پرورش کنونی کشور به خصوص در حیطه مدیریت آن امکان پذیر نخواهد بود و لازم است شوراهای سویی حرکت نمایند که بتوان در آینده نزدیک هر چه بیشتر از مشارکت های دانش آموزی استفاده نمود.

اهم موضوعات مطرح شده در جلسات مدرسه که بسیار بر آنها تأکید شده و مورد بحث قرار گرفته اند عبارتند از:

ایجاد حس همکاری و مشارکت در بین دانش آموزان: ما در مدرسه از طریق برگزاری مسابقات گروه سرود، روزنامه دیواری و برخی مسابقات ورزشی مثل فوتبال، والیبال، بسکتبال، هندبال که برای رسیدن به موفقیت نیاز به همکاری، مشارکت، وحدت و انسجام دارد و ما سعی در بالا بردن Team work در بین بچه ها کرده ایم.

خود باوری، تقویت مسئولیت پذیری و آمادگی جهت قبول مسئولیت های آینده جامعه بین دانش آموزان: از طریق محول کردن برخی امور اجرایی داخل مدرسه، مثل امور بوفه، نمازخانه، امور راهروها و...

شناخت نقاط قوت و ضعف مدرسه و کمک به بهبود آن: از طریق نظر سنجی هایی که معلمان در کلاس از دانش آموزان انجام می دهند؛ البته سعی بر این بوده که در حد امکان به صورت نامحسوس انجام گیرد تا نظرات آنان دچار سوگیری نشوند. همچنین از والدین نیز در حین مراجعات آنان و جلسات در مدرسه نظر سنجی به عمل آمد.

منابع

- امین، نصرالدین. (۱۳۷۹). تحقق اندیشه مشارکت در جهت کیفیت بخشی آموزشی، فصلنامه مدیریت در آموزش و پرورش، شماره ۲۶، تابستان.
- ایمانی، محسن و سبحانی نژاد، مهدی. (۱۳۸۳). ارزیابی نقش شوراهای دانش آموزی، فصلنامه آموزه، پاییز، شماره ۲۳.
- تورانی، حیدر. (۱۳۸۲). مدیریت فرآیند مدار، تزکیه.
- جهانتاب، اسحاق. (۱۳۸۳). تصمیم گیری مشارکتی، فصلنامه فرهنگ مشارکت، شماره ۴۰ و ۴۱، تابستان و پاییز.
- حسن زاده، فروزه. (۱۳۷۹). راه های علمی فعال کردن شورای معلمان، فصلنامه مدیریت در آموزش و پرورش، تابستان، شماره ۲۶.
- سبحانی نژاد، مهدی و اسماعیلی، محمد. (۱۳۸۳). رابطه بین عوامل مدیریتی با میزان مشارکت اولیا و دانش آموزان ابتدایی، فصلنامه آموزه، بهار، شماره ۲۱.
- علاقه بند، علی. (۱۳۷۱). مقدمات مدیریت آموزشی، بعثت.
- غلام پور، عباس. (۱۳۷۹). خلاقیت و نوآوری در سازمان های آموزشی، فصلنامه مدیریت آموزش و پرورش، شماره ۲۵، بهار.
- کرامتی، محمدرضا. (۱۳۷۴). برنامه ریزی استراتژیک در آموزش و پرورش، آستان قدس.
- مستوفی، حبیب الله. (۱۳۷۹). مروری بر تشکیل شوراهای منطقه ای آموزش و پرورش، فصلنامه مدیریت در آموزش و پرورش، شماره ۲۵، بهار.
- آیین نامه اجرایی مدارس. (۱۳۷۹). وزارت آموزش و پرورش، دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش.